

بازداشت چهارفروشنده آنلاین دارو

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ از دستگیری چهار نفر که اقدام به تبلیغ برای فروش غیرمجاز داروهای خاص و نایاب در فضای مجازی کرده بودند، خبر داد. به گزارش جام‌جم، سرهنگ داوود معظمی گودرزی در این باره گفت: ماموران پلیس فتای تهران بزرگ متوجه شدند یک تیم مجرمانه در یکی از شبکه‌های اجتماعی اقدام به فروش داروهای کمیاب از جمله داروهایی دیابت، ریتالین و... کرده که در همین راستا اقدامات خود را

آغاز کردند. در جریان تحقیقات انجام شده از سوی آنان نیز مشخص شد که چند نفر با ایجاد چند صفحه اینستاگرامی و درج تبلیغات اغواکننده اقدام به فروش داروهای کمیاب و خاص کرده‌اند. افسران سایبری پلیس فتا با بررسی‌های همه جوانب پرونده و بهره‌گیری از روش‌های علمی و فنی موفق شدند مجرمان را در فضای مجازی شناسایی کنند. در ادامه با به دست آمدن اطلاعات هویتی متهمان و پس از تشریفات

عموی دختر سه ساله در گفت وگو با «جام‌جم» اعترافات قاتل را تشریح کرد

قتل آی نور برای دوگرم طلا!

زنند و سپس گوشواره‌ها را از گوشش خارج کرد؛ آن هم گوشواره‌هایی که به زور دو گرم می‌شد. در همین فاصله‌که دستش را روی دهان بچه گذاشته بود، او در آنخفگی به قتل رسید. پس از قتل، این زن جسد آی نور را در انبار کاه خانه خود پنهان کرد. بدتر این‌که زن قاتل همزمان و در کنار ما دنبال آی نور می‌گشت و او را صدا می‌زد. بعد برای گمراه کردن پلیس و بقیه، مخفیانه دمپایی‌های آی نور را به صحرای برد و بعد به ما اعلام کرد که دمپایی‌های بچه را در صحرای پیدا کرده است. با این خبر نیروهای پلیس، هلال‌احمر و بالگرد همه به سمت صحرای رقیم تا شاید بتوانیم رد و نشانی از آی نور پیداکنیم اما هرچه گشتیم، او را پیدا نکردیم.»

در فاصله‌ای که نیروهای امدادی و نظامی دنبال پیدا کردن ردی از آی نور بودند، زن قاتل مخفیانه جسد را از کاهدان خانه‌اش خارج کرد و به چاه فاضلاب خانه پسرش انداخت که در همسایگی او ششمین روز خود شده بود، پیکر بی جان او از چاه فاضلاب خانه یکی از اهالی روستای بیرون کشیده شد. باگذشت سه روز از کشف جسد، پلیس بانگ‌نکردن حلقه جسد و جو، چهار مظنون را دستگیر و یکی از مظنوتان‌که زنی میانسال است، به قتل دخترپچه اعتراف کرد.

خداداد نظری، عموی آی نور در مورد اعتراف قاتل به جام‌جم گفت: «اصلا فکرش را هم نمی‌کردیم که این زن دست به قتل بزند. قاتل آی نور خودش فرزند و عروس دارد و حدود ۵۰ ساله است. بعداز ظهر روزی که آی نور ناپدید شد، او به قصد بازی با یکی از بچه‌های این زن به خانه‌اش رفته بود. طبق اعترافات این زن، او همان روز و به طمع سرقت گوشواره‌های طلای بچه، او را در آغوش گرفت، دستش را روی دهانش گذاشت تا جیغ

اینا حسین زاده گروه حوادث

برابر اهالی روستا دفاع و حمایت می‌کردیم، قاتل جگرگوشه‌مان باشند اما متأسفانه بودند و تلاش زیادی برای پنهان‌کردن این قضیه کردند.» اینها را عموی آی نور به جام‌جم می‌گوید؛ دخترپچه سه ساله الیگودرزی که بعد از شش روز از ناپدید شدنش، جسد او در چاه خانه مرد همسایه پیدا شد. مادر این مرد قاتل بود و جسد را در چاه خانه پسرش انداخته بود. به گزارش خبرنگار جام‌جم، پنجشنبه هجدهم مردادماه بود که خانواده آی نور که ساکن روستای دهسفيد حاج‌درویش شهرستان الیگودرز هستند، مفقودی دختر بچه خود را به پلیس، هلال‌احمر و بخشداری اطلاع دادند که بلافاصله عملیات جست‌وجو آغاز شد اما هیچ نتیجه‌ای نداشت. درحالی‌که نجسس‌ها برای یافتن آی‌نور وارد ششمین روز خود شده بود، پیکر بی جان او از چاه فاضلاب خانه یکی از اهالی روستایبیرون کشیده شد. باگذشت سه روز از کشف جسد، پلیس بانگ‌نکردن حلقه جسد و جو، چهار مظنون را دستگیر و یکی از مظنوتان‌که زنی میانسال است، به قتل دخترپچه اعتراف کرد.

خداداد نظری، عموی آی نور در مورد اعتراف قاتل به جام‌جم گفت: «اصلا فکرش را هم نمی‌کردیم که این زن دست به قتل بزند. قاتل آی نور خودش فرزند و عروس دارد و حدود ۵۰ ساله است. بعداز ظهر روزی که آی نور ناپدید شد، او به قصد بازی با یکی از بچه‌های این زن به خانه‌اش رفته بود. طبق اعترافات این زن، او همان روز و به طمع سرقت گوشواره‌های طلای بچه، او را در آغوش گرفت، دستش را روی دهانش گذاشت تا جیغ

نظمیه

روایت گروگان‌گیری ۶۰ هزار دلاری اتباع افغان در تهران

پنج مرد در حالی به اتهام گروگان‌گیری و شکنجه چهار تبعه تاجیکستانی بازداشت شدند که دو

معمومه ملکی گروه حوادث

سرکرده همچنان فراری هستند. در جریان دستگیری متهمان، سه نفر از

آنها با شلیک پلیس زخمی شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، سردار علی ولی‌پورگودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ دیروز به تشریح عملیات دستگیری اعضای باند آدم‌ربایی و نجات چهار تبعه تاجیکستان پرداخت و گفت: این چهار جوان اهل تاجیکستان از چهاردهم مرداد امسال قانونی وارد ایران شدند تا به آنکارای ترکیه و از آنجا به آمریکا بروند که گرفتار قاچاقچیان انسان شدند. متهمان آنها را به خانه‌های ویلایی در یکی از روستاهای شهرستان شهریار در غرب استان تهران منتقل کرده و می‌خواستند در برابر آزادی هرکدام از خانواده‌هایشان ۱۵هزار دلار اخاذی کنند. با شکایت خانواده گروگان‌ها، ماموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران چهارشنبه هفته گذشته آخرین ویلا را که مخفیگاه‌شان بود شناسایی کردند. چهار گروگان بعد از ۱۰ روز اسارت نجات یافته و پنج متهم بازداشت شدند و در این اخاذی ناکام ماندند. دو سرکرده اصلی باند متواری شده و پلیس در پی آنها و رازگشایی از دیگر جرایم اعضای این باند است.

روایت دوگروگان‌گیر از سرکرده خشن باند

پلیس ما را دستگیر کند. از شه پرویز خواستم که پولم را بدهد و بروم اما قبول نکرد. یک شب موقع نگهدانی در اتاق بودم که شه‌پرویز و جمال سراغم آمدند و هردو به من تجاوز کردند. شش دقیقه از من فیلم سیاه تهیه کردند. می‌گفتند اگر فرار کنم و از همکاری دست‌بردارم در اینستاگرام فیلم را منتشر می‌کنند و آبرویم می‌رود. یک‌بار خواستم فرار کنم که به من شلیک کردند و زخمی شدم. اگر پلیس سر نمی‌رسید شاید شه‌پرویز مرا می‌کشت.

کریم، متهم ۲۷ساله دیگر است که با خانواده‌اش سال‌هاست قانونی در ایران زندگی می‌کند. او دراین‌باره گفت: راننده این گروه بودم. پسر ۱۹ساله‌ام با من همراه بود. سرکرده گروهمان شه‌پرویز بوده و از مافیای قاچاق انسان است واز طریق دوستم با او آشنا شدم. وعده پول زیاد باعث شد با او همراه شوم. برایم تعریف کرده بود که این چهار تبعه تاجیکستان را از سایت مهاجرتی پیدا کرده است. می‌گفت قصد مهاجرت به آمریکا را دارند. مرا به هتل فرستاد و آنها را سوار کرده و با خودم نزدشان آورد. شه‌پرویز ویلاها را دوبرابر قیمت اجاره و چند بار مخفیگاه گروگان‌ها را عوض کرد. بقیه گروه آنها را با چاقو زخمی کرده و شکنجه دادند. شه‌پرویز یک خلافکار حرفه‌ای است و فقط به پول فکر می‌کند. در تاجیکستان، افغانستان، ایران و ترکیه قاچاق انسان انجام می‌دهد و در باند‌های مافیایی فعالیت دارد. شنیده بودم در زمینه قاچاق مخدر هم فعالیت دارد. او افراد بسیاری را به گروگان گرفته واز خانواده‌هایشان اخاذی کرده است.

قصد کشتن ما را داشتند



یکی از گروگان‌ها مرد جوانی است که هنوز با دیدن متهمان وحشت‌زده است و با دستان لرزان به آنها اشاره می‌کند و می‌گوید: کارگر مغازه سوپرمارکت در تاجیکستان بودم. مثل سه هموطن دیگرم رویای مهاجرت به آمریکا را داشتم. روز چهاردهم مرداد با پرواز و به‌صورت قانونی به تهران آمدم. قرار بود قاچاقچیان بین‌المللی برایمان ویزای ۱۰ساله آمریکا بگیرند. همان شب در متلی در خیابان سعدی مردی آمد و ما را به ویلایی در اطراف شهر برد. در این مدت محل نگهداری ما را تغییر می‌دادند. چشمانم را هم می‌بستند. در ویلای آخر دست‌وپایمان را بستند. فقط برای رفتن به دستشویی ما را رها می‌کردند. چند روز بعد طناب‌ها را بازکردند. ما را به‌شدت کتک زده و شکنجه می‌دادند و با چاقو زخمی‌مان کردند. با تهدید به قتل، شماره خانواده‌مان را گرفتند و در تماس با آنها برای آزادی ما ۱۵هزار دلار خواستند. چند بار قصد فرار داشتیم که ناکام مانده و به‌شدت شکنجه شدیم. اگر پلیس ایران به‌موقع سر نمی‌رسید، آنها از خانواده‌هایمان اخاذی کرده و ما را می‌کشتند و در همان باغ دفن می‌کردند.

قضایی، در نهایت مجرمان در یکی از مناطق جنوب تهران دستگیر و بیش از ۱۰ هزار قلم داروی خاص و نایاب از انبار آنها کشف و ضبط شد. داروهای مشکوفه جزو داروهای کمیاب است. متهمان پس از انتقال به پلیس فتاحت بازجویی اعتراف کردند این داروها را برای فروش با چند برابر قیمت از طریق فضای مجازی از چرخه قانونی خارج کرده و آن را در انبارهای غیرمجاز و نامناسب نگهداری می‌کردند.



عدلیه

اعتراف دختر جوان به قتل پیرزن همسایه

دختر جوانی که پیرزن همسایه‌شان را ۲۸ ضربه چاقو کشته بود، سرانجام سکوت خود را شکست و به این جنایت و سرقت شش انگوی طلای

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شامگاه بیست و سوم اردیبهشت امسال زنی ۷۰ساله که تنها در خانه‌اش در محله نبرد جنوبی زندگی می‌کرد با ۲۸ ضربه چاقو به قتل رسید. دخترش وقتی متوجه شد مادرش به تلفن‌های او پاسخگو نیست دلگران شد و به خانه او رفت که با به‌هم ریختگی خانه و جسد او روبه‌رو شد و به پلیس ۱۱۰تهران اطلاع داد. در جریان تحقیقات ماموران به مادر و دختری که در طبقه چهارم این ساختمان زندگی می‌کردند و مدام به خانه مقتول در رفت و آمد بودند، مشکوک شدند و چند روز پیش به عنوان مظنون آنها را بازداشت کردند. مادر و دختر برای ادامه تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شدند و مدعی بودند در قتل پیرزن همسایه نقشی ندارند و اشتباهی بازداشت شده‌اند. تحقیقات از آنها ادامه داشت تا این‌که دیروز دختر جوان سکوت خود را شکست و به قتل پیرزن همسایه اعتراف کرد و گفت: بعد از فوت شوهر مقتول، ارتباط ما با او بیشتر شد و به خانه‌اش در رفت و آمد بودیم. روز حادثه من به خانه‌اش رفتم. مشغول حرف زدن بودیم که یکدفعه به من گفت چرا شجمت را عمل نمی‌کنی باعث شده چهره‌ات آسیب ببیند. من از شنیدن این حرف‌ها ناراحت شدم. عصبانی شدم و گفتم چرا در زندگی‌ام دخالت می‌کنی. با اوج گرفتن دعای‌مان چشمانم به چاقویی خورده که اوگوشه اتاق گذاشته بود. آن را برداشتم. می‌خواستم او را بترسانم که دیگر درباره زندگی‌ام و چهره‌ام ایراد نگیرد. فریاد زد که عصبانی‌ترم کرد. ضربه‌هایی با چاقو به او زدم. سپس چاقو را در کیسه‌ای گذاشته و در سطل زباله انداختم. به خانه مقتول برگشتم و آنجا را به‌هم زدم. شش انگوی طلایش را برداشتم و بعد لنگه دمپایی مرد همسایه را که با او اختلاف و دعوا داشتم از راه‌پله برداشتم و داخل خانه مقتول انداختم تا او را به دردسر بیندازم. طلاها را مخفی کردم اما یادم نمی‌آید کجا گذاشتم. موسی‌رضازاده، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف متهم به قتل، تحقیقات از او ادامه دارد.



حوادث

۱۹ INCIDENT

یکشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۳ شماره ۶۸۲۷

کوتاه‌ازحوادث

قتل هم‌باشگاهی به‌خاطر یک لگد

پسر جوان که در جریان درگیری مقابل باشگاه ورزشی مرتکب قتل شده بود، در جلسه محاکمه مدعی شد

این اتفاق ناخواسته افتاد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از آبان سال گذشته و با گزارش قتل مرد ۳۵ساله‌ای به‌نام مصطفی مقابل باشگاه ورزشی آغاز شد. ضربه چاقو به سینه مصطفی اصابت کرده و باعث مرگش شده بود. با تحقیق از شاهدان ماجرا، مشخص شد عامل قتل پسر جوانی به‌نام هومن است که پس از درگیری مرگبار از محل گریخته‌بود. جسد به پزشکی قانونی منتقل و تحقیقات برای دستگیری هومن آغاز شد. متهم فراری در جنوب تهران دستگیر و در تحقیقات با اعتراف به قتل گفت: «با مصطفی هم‌باشگاهی بودم. او بعد از خروج از باشگاه ضربه‌ای به موتور زد که همین باعث درگیری ما شد.»

پرونده این جنایت با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و متهم در شعبه ۱۱ از خوددفاع کرد. در این جلسه مادر مقتول برای قاتل پسرش درخواست قصاص کرد. سپس متهم در جایگاه ایستاد و در دفاع از خودگفت: وقتی به باشگاهی می‌رفتم، موتورم را مقابل در پارک می‌کردم. یک روز وقتی بیرون آمدم، دیدم موتورم روی زمین افتاده است. یکی از دوستانم گفت مصطفی با لگد ضربه‌ای به موتور زد و آن را روی زمین انداخت. چند روز بعد مصطفی را در باشگاه دیدم. از او پرسیدم چرا موتورم را روی زمین انداخته که قبول نکرد و دیگر شدیم. چند نفر دیگر از دوستانم وارد درگیری شدند. برای ترساندن مصطفی چاقو کشیدم که خودش را عقب کشید و ضربه‌ای که پرت کرده بودم به سینه‌اش اصابت کرد. وقتی روی زمین افتاد از ترس فرار کردم.

رئیس دادگاه: چرا با خودت چاقو حمل می‌کردی؟

هومن: برادرم در یک درگیری متهم به قتل شده و در زندان است. از آن زمان به‌خاطر ترسی که داشتم، چاقو حمل می‌کردم. باور کنید قصد قتل نداشتم و الان پشیمانم.

پس از آخرین دفاعیات متهم، قضات وارد شور شده تا حکم پرونده را صادر کنند.

قتل مرد جوان در جدال با دزدان

مرد جوان که سه روز قبل از کمپ ترک اعتیاد بیرون آمده بود، در جدال با موبایل‌قاب‌ها به قتل رسید.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۲ بامداد شبیه بیست‌وهفتم مرداد امسال، یکی از ماموران کلانتری بیسیم در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران، او را در جریان قتل مردی ۲۴ساله قرار داد. با دستور قضایی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا به محل حادثه در محل اعزام شدند. آنها با حضور در آنجا متوجه شدند که مرد جوان بر اثر اصابت ضربه شمشیر زخمی شده که بعد از انتقال به بیمارستان جان باخت. ماموران به تحقیق از شاهدان ماجرا پرداختند که یکی از آنها در اظهاراتش گفت: پسر جوان همسایه‌مان بود. او اعتیاد داشت و سه روز قبل از کمپ بیرون آمده بود. در خیابان دومرد جوان با آچایی قرمز به او نزدیک شدند. یکی از آنها شمشیر به دست داشت که پایین آمد و به سمت مرد جوان رفت و با او درگیر شد و می‌خواست گوشی تلفن همراهش را به سرقت ببرد که مرد جوان با سارق درگیری پیدا کرد و با ضربه شمشیر او به قتل رسید. این درحالی‌بود که ماموران، خانواده مقتول را نیز شناسایی کردند و بعد از تحقیق از آنها پی بردند که فرزندشان به شیشه اعتیاد داشت و از شش ماه قبل در کمپ بستری بود تا این‌که سه روز قبل با ترک مواد به خانه آمد.

عملیات رابل، جان مرد معتاد را گرفت

مرد معتاد وقتی متوجه شد که دوباره مادرش او را به خانه راه نمی‌دهد با طناب قصد داشت وارد بالکن طبقه پنجم شود که تعادلش را از دست داد و بعد از سقوط جان باخت. به گزارش جام‌جم، ساعت ۱۲ ظهر جمعه بیست‌وششم مرداد امسال یکی از ماموران کلانتری غیائی در تماس تلفنی با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران، او را در جریان مرگ مشکوک مردی میانسال در خیابان ری پایتخت قرار داد. با دستور بازپرس جنایی، تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به آنجا رفته و جسد را گوشه حیاط یافتند. با تحقیق از همسایه‌هایی بردند این مرد اعتیاد داشته و با مادرش در طبقه پنجم ساکن بوده است که بعد از شنیدن صدای مهبیی از خانه بیرون آمدند و او را در حیاط یافتند و طنابی را دیدند که یک‌سرس از پشت بام آویزان شده بود. با توجه به مشکوک بودن مرگ این مرد، ماموران به تحقیق از مادر او پرداختند که در اظهاراتش گفت: پسرم بیش از ۲۵سال است که اعتیاد دارد. انواع مواد مخدر را مصرف می‌کرد. بارها به کمک رفت و دوباره باگشت و اعتیادش را از سر گرفت. از این وضع خسته شده بودم و مدتی بود که او را به خانه راه نمی‌دادم، اما عادت کرده بود به پشت بام می‌رفت و باطنابی خود را به بالکن خانه می‌رساند و وارد می‌شد. امروز هم که آمد در درباریش بار نکردم و به خانه راهش ندادم. دیگر از او خبری نداشتم تا این‌که با شنیدن فریاد همسایه‌ها متوجه ماجرا شدم. محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: با توجه به اظهارات مادر این مرد معلوم شد ماجرا واقعیت دارد و مرگ او قتل نبوده بلکه خودش سقوط کرده و فوت شده است.